



چالش‌های فرهنگی و اقتصادی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش

مقدمه

قرار گرفتن در مسیر توسعه و دستیابی به توسعه پایدار، امروزه یکی از آرمان‌های جوامع بشری است. سازمان‌های جهانی مانند «یونسکو»، راه‌های رسیدن به این توسعه را (بدون در نظر گرفتن شرایط اختصاصی و اقلیمی کشورها) بررسی کرده و راهکارهای کلی را در معرض افکار عمومی قرار داده‌اند. یکی از عوامل مهم در دستیابی به توسعه - به تأکید سازمان‌های بین‌المللی - توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است. کشورهای توسعه‌یافته امروزی در دهه ۱۹۷۰ به راز این موفقیت دست یافته و برای آن برنامه‌ریزی کرده‌اند و از یکی دو دهه بعد به دستاوردهای آن دست یافته‌اند. رشد تولید ناخالص داخلی سرانه، پیشرفت صنعتی، افزایش درآمد سرانه، افزایش رضایتمندی و توانمندی‌های فردی، اشتغال

چکیده

در مقدمه این مقاله، به توجه جامعه جهانی و توجه کشور ما به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نقش آن‌ها در اقتصاد اشاره شده و سپس به اهمیت موضوع رقابت جهانی در اقتصاد، مهارت‌آموزی جوانان کشور و اشتغال آنان، فعالیت‌های کارآفرینانه و تطابق برنامه‌های درسی با اولویت‌های ملی پرداخته شده است. در ادامه ضرورت تأسیس، ویژگی‌ها و اهداف هنرستان‌ها و ارتباط آن‌ها با توسعه اقتصادی و کارآفرینی، دوره گذار و مشکلات موجود در دوره گذار و چالش‌های فرهنگی و اقتصادی در هنرستان‌ها و علل و ریشه‌های پدیدآورنده آن‌ها تبیین شده و در پایان پس از نتیجه‌گیری، پیشنهاداتی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها:

هنرستان فنی و حرفه‌ای، هنرستان کاردانش، کارآفرین، دوره گذار، چالش‌های فرهنگی و اقتصادی هنرستان‌ها

**در هر کشوری
که در آستانه
گذار از اقتصاد
سنتی به اقتصاد
«دانش محور»
قرار دارد،
آموزش و پرورش
مؤثرترین ابزار آن
کشور برای ورود به
چالش‌های آینده به
شمار می‌آید**

به اینکه ما هم اکنون در دوران تحول کاری قرار گرفته‌ایم، مشاغل در حال رشد هستند و پویایی سازمان‌ها روز به روز در حال افزایش است. بدین ترتیب انتخاب شغل سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود. در این شرایط، یافتن شغل دائم برای جوانان بسیار دشوار است [بهمن‌پور، ۱۳۸۵: ۳۸].

جوانان باید آموزش‌هایی ببینند که مهارت‌های آنان تقویت شود و برای مشاغل گوناگون آمادگی پیدا کنند. به همین دلیل به مهارت‌های خاص کسب و کار، کارآفرینی، نوآوری و تغییر نگرش در مورد ساختارهای کاری نیازمندند. به زبان ساده، کسب و کار عبارت است از نحوه‌ای اشتغال و به طور مشخص شامل تولید و خرید کالاها و خدمات با هدف فروش آن‌ها به منظور کسب سود می‌باشد [همان، ص ۳۹].

آموزش برای کار به پذیرش، توسعه و تدوین اصول فلسفی نیاز دارد تا بتواند آن را هدایت یا خلق کند و در شرایط کار تغییر به وجود آورد. کارگزاران آموزش برای کار باید برای تأمین نیازها و شرایط کاری امروز و آینده، فلسفه‌هایی را پایه‌ریزی کنند که هم نیازهای فنی و حرفه‌ای و هم رشد فردی را مدنظر داشته باشند [تاد استورم، ۱۳۸۹: ۲۸].

ویژگی بارز اقتصاد امروز تغییرات سریع است. لذا کشورهایی می‌توانند در چنین اقتصادی موفق باشند که قابلیت تطبیق با این تغییرات را داشته باشند. کشورهایی که در آن‌ها، میزان فعالیت‌های کارآفرینانه بالاتر است، قادرند در اقتصاد جهان موقعیت بهتری کسب کنند. تحقیقات انجام شده نشان داده‌اند که رشد اقتصادی با فعالیت‌های کارآفرینانه ارتباط مستقیم دارد [جعفرزالی، ۱۳۸۵: ۴۳].

چشم‌انداز تحولات جهانی نظام‌های آموزشی نشان می‌دهد که در قرن بیست و یکم، آموزش متوسطه نسبت به سایر دوره‌های تحصیلی رشد بیشتری را که در بردارنده ابعاد و وجوه گوناگون اقتصادی است و تدوین راهبردها و برنامه‌های جدید را الزامی می‌سازد، شاهد خواهد بود [سرکار آرانی، ۱۳۸۹: ۲۸].

با توجه به سرعت روند جهانی شدن و بازسازی اقتصادی در نظام‌های سیاسی جهان و اهمیت دستیابی به دانش و اطلاعات لازم، نیازهای آموزشی در تمام سطوح تغییر کرده است. این نیازها برای نیروی کار آینده بسیار اهمیت دارد.

مفید و... از دستاوردهای این مهم است [محمدعلی، ۱۳۹۰: ۱۰].

در هر کشوری که در آستانه گذار از اقتصاد سنتی به اقتصاد «دانش‌محور» قرار دارد، آموزش و پرورش مؤثرترین ابزار آن کشور برای ورود به چالش‌های آینده به شمار می‌آید. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش دوره متوسطه، به عنوان یکی از زیرنظام‌های آموزشی کشور، این توانمندی را خواهند داشت که به مثابه ابزاری قابل اعتماد، پل مستحکمی بین کلاس درس و اجتماع و بین کلاس درس و بازار کار بنا کنند [شریف‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۱].

با ایجاد نخستین مدرسه‌ها به سبک جدید و پایه‌گذاری آموزش و پرورش نوین در کشور، تربیت حرفه‌ای به عنوان بخشی از نظام آموزشی مسئولیت ارائه دانش عملی و مهارتی و نیز تربیت نیروی انسانی مورد نیاز را به عهده گرفت. این نوع تربیت که طی دهه‌های گذشته در چارچوب نظام آموزشی کشور جریان داشته، با تحمل تغییر ساختاری و نیز شیوه برنامه‌ریزی درسی، همچنان به تربیت افراد برای احراز شغل و حرفه خاص مبادرت ورزیده است [مرجانی، ۱۳۸۵: ۹].

با اجرای نظام جدید آموزش متوسطه در سال ۱۳۷۱، تهیه برنامه و سازمان‌دهی محتوای درسی در تربیت حرفه‌ای کشور برای نخستین بار براساس روشی مشخص، یعنی تحلیل شغلی که در منابع منتشر شده از سوی یونسکو به آن توصیه شده بود، انجام گرفت. روش مذکور به طور ضمنی بر این موضوع تأکید دارد که هدف‌های ویژه تعلیم و تربیت باید از تحلیل شغل نشئت بگیرد [همان، ص ۱۰]. اما با گذشت بیش از دو دهه از تهیه برنامه تحلیل شغلی، چالش‌ها و مشکلاتی در نظام آموزش و پرورش مشاهده می‌شود که در ادامه مقاله به آن‌ها پرداخته شده است.

اهمیت و ضرورت مسئله

برنامه‌ریزی برای استخدام جوانان و نیز مسیرهای شغلی آنان یکی از مسائلی است که امروزه باید به دقت مورد بررسی قرار گیرند. در وضعیت فعلی، با افزایش جوانان جویای کار، نرخ بی‌کاری در حال افزایش است و در بلندمدت، جوانان دیگر نیز چندان احساس امنیت شغلی نمی‌کنند. به لحاظ اقتصادی نیز این وضعیت واقعه ناگواری است. جدا از اینکه هزینه اتلاف منابع انسانی نیز بسیار بالاست. با توجه

نیازهای آموزشی در تمام سطوح تغییر کرده است. این نیازها برای نیروی کار آینده بسیار اهمیت دارد

در بسیاری از کشورهای رو به توسعه، ارتباط کمی میان نیازمندی‌های جامعه اطلاعاتی و آنچه که در مراکز آموزشی تدریس می‌شود، وجود دارد. اینکه برنامه‌های آموزشی و درسی نظام‌های تعلیم و تربیت باید با اولویت‌های ملی کشورها منطبق باشند و این اولویت‌ها باید تغییرات اساسی ساختار اقتصادی جهانی و راهبردهای جدید برای پیروزی در این رقابت‌ها را در نظر بگیرند [امام جمعه، ۱۳۸۴: ۳۹]. توصیه یونسکو برای دهه‌های هزاره سوم در مورد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، که سه هدف اساسی را برای این آموزش‌ها مطرح کرده، مورد توجه و استقبال بسیاری از کشورها قرار گرفته است. این هدف‌ها عبارت‌اند از:

- تقویت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به منزله جزء لازم یادگیری مادام‌العمر؛
- جهت دادن آموزش فنی و حرفه‌ای به سمت توسعه پایدار؛
- فراهم آوردن آموزش فنی و حرفه‌ای برای همه [محمدعلی، ۱۳۹۰: ۱۱].

اگر توجه کنیم که هرگونه به کارگیری منابع و امکانات به منظور تولید کالا یا ارائه خدمات به جامعه، بدون وجود نیروی انسانی کارآمد و آگاه تقریباً غیرممکن است و این نیرو نیز با «آموزش» تأمین می‌شود، به اهمیت و جایگاه تعلیم و تربیت در تولید اقتصادی که رشد در سایر زمینه‌ها را نیز به دنبال خواهد داشت، پی می‌بریم [ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۳ و ۱۴].

از نیمه دوم قرن بیستم، بسیاری از کشورها به اهمیت آموزش و پرورش و نقش آن در پیشرفت اقتصادی پی بردند و به نحو مؤثری در پی اصلاح نظام‌های آموزشی خود برآمدند. به طور کلی، رویکرد اقتصادی به آموزش و پرورش «در واقع مبین تحول در جوامعی است که از ایستایی به پویایی رسیده و از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی تحول یافته‌اند؛ اگرچه جنبه‌های سنتی آموزش و پرورش، انطباق آن را با بنیاد نو، کند می‌کند» [همان، ص ۱۴]. بنابراین با توجه به اهمیت و نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در جامعه لازم است قبل از پرداختن به چالش‌های فرهنگی و اقتصادی موجود در هنرستان‌ها، در خصوص ویژگی‌ها، هدف‌ها و نقش هنرستان‌ها در آموزش و پرورش مطالبی ارائه دهیم.

اهمیت و ضرورت تأسیس هنرستان‌ها در آموزش و پرورش

رقابت در سطح جهانی رو به افزایش است و دولت‌ها در ازای سرمایه‌گذاری در ارائه آموزش فنی و حرفه‌ای در مقایسه با آموزش عمومی درصدد ارائه بازدهی بیشتر از سرمایه‌گذاری‌هایی هستند که در بخش آموزش فنی و حرفه‌ای انجام می‌شود. در سراسر دنیا با افزایش سطح آموزش و تحصیلات، آرزوها و خواسته‌ها هم افزایش می‌یابند. کارگران و کارکنان از شغل یا مسیر شغلی خود تقاضاهای بیشتری دارند. از سوی دیگر، کارگران بیشتر در پی مشاغلی هستند که کیفیت زندگی بهتری داشته باشند، نه پول بیشتر. در فرایند توسعه منابع انسانی به استانداردهای مهارت افراد توجه می‌شود [حسین‌زاده، ۱۳۹۱: ۸].

در بسیاری از کشورها واحدهای درسی و آموزش مهارت‌های اصولی در دبیرستان‌ها ارائه می‌شود. دانش‌آموزانی که به هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای می‌روند، مهارت‌هایی را فرا می‌گیرند که سرانجام مسیر شغلی آن‌ها را تعیین می‌کند. در واقع، برنامه آموزش حرفه‌ای بر همان شیوه استاد-شاگردی و آموزش در کارگاه مبتنی است که فرد زیر نظر استاد، فن یا حرفه‌ای را می‌آموزد [همان، ص ۱۲].

این آموزش‌ها، علاوه بر آموزش عمومی، به جنبه‌هایی از فرایند آموزشی می‌پردازند که در برگزیده مطالعه فناوری‌ها و علوم وابسته، کسب نگرش‌ها و مهارت‌های عملی و فهم دانش مرتبط با حرفه‌ها در بخش‌های گوناگون اقتصادی (صنعت، کشاورزی و خدمات) و زندگی اجتماعی است. همچنین افراد را برای احراز شغل یا حرفه و یا ادامه تحصیل در رشته‌های فنی و مهندسی و علمی و کاربردی آماده می‌سازند [شریف‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۲].

اهم ویژگی‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش

- هماهنگ و سازگار شدن با نیازهای ملی و منطقه‌ای و توجه به شرایط اقلیمی و بومی این آموزش‌ها.
- امکان به روز شدن این آموزش‌ها متناسب با پیشرفت علوم و فناوری و نیازهای بازار کار، و نیز امکان ارتقای آموزش‌های عملی و کارگاهی به منظور تعمیق دانش هنرجویان.
- امکان تربیت نیروی کار متناسب با مقتضیات

**توسعه اقتصادی
دو هدف اصلی
دارد: اول، افزایش
ثروت و رفاه مردم
(ریشه‌کنی فقر) و
دوم، ایجاد اشتغال
که هر دوی این
اهداف در راستای
عدالت اجتماعی
هستند**

مشخصات و ویژگی‌های شاخه کار دانش

در کلیات نظام جدید آموزش متوسطه، در مورد مشخصات و ویژگی‌های شاخه کار دانش آمده است: «آموزش‌های کار دانش به آموزش‌هایی اطلاق می‌شود که موجبات ارتقای دانش افراد، ایجاد مهارت‌های لازم و به فعلیت درآوردن استعداد های نهفته انسان را فراهم آورد تا آن‌ها را برای احراز شغل، حرفه و کسب و کاری مشخص آماده سازد و یا مهارت‌های آن‌ها را برای انجام کاری که به آنان محول شده است، تا سطوح مطلوب افزایش بخشد» [شریعت‌زاده، ۱۳۹۲: ۵].

شاخه کار دانش شاخه‌ای از نظام جدید است که با استفاده از مراکز تولیدی و خدماتی، بخش‌های اقتصادی، فرهنگی و آموزشی و با احداث مراکز خاص، به منظور جذب و تشویق دانش‌آموزان مستعد و علاقه‌مند برای کسب مهارت‌های مورد نیاز

جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی استان‌ها.

- ایجاد آمادگی نسبی در هنرجویان برای ادامه تحصیل در دوره‌های آموزش عالی (فنی - مهندسی و علمی - کاربردی).
- استفاده از امکانات و تجربیات دستگاه‌های دولتی و مؤسسات خدماتی و تولیدی بخش غیردولتی برای برنامه‌ریزی و اجرای رشته‌های تحصیلی مورد نیاز.
- پرورش روحیه کارآفرینی در هنرجویان فنی و حرفه‌ای و کار دانش.
- وجود تنوع در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش.
- توجه به استعدادها و علاقه‌های فردی و انجام فعالیت‌های گروهی.
- توجه به آموزش بزرگسالان و دختران.
- ایجاد فرصت‌های آموزشی مناسب، به ویژه در مناطق کمتر برخوردار.



جامعه و گسترش آموزش آن‌ها به تناسب امکانات و براساس مقررات، ایجاد می‌شود [عباس‌پور، ۱۳۸۶: ۲۲۱]. به عبارت دیگر، هدف شاخه کار دانش تربیت نیروی انسانی در سطوح نیمه‌ماهر، ماهر، استادکار و سرپرست کارگاه برای بخش‌های متفاوت صنعت، کشاورزی و خدمات و احراز آمادگی نسبی در دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در رشته‌های خاص علمی - کاربردی است. هدف‌های جزئی آن پرورش روحیه کارآفرینی به جای کارجویی، گسترش سریع و فراگیر شدن آموزش‌های مهارتی به دلیل ظرفیت بالای سازگاری روش‌های اجرایی و محتوایی، تناسب رشته‌های مهارتی با نیازهای ملی، محلی و منطقه‌ای و سازمان‌دهی، طراحی و جهت‌گیری‌های آموزش‌های متوسطه است. البته مشکلاتی جهت اجرای این هدف‌ها وجود دارند. ناشناخته بودن آن‌ها برای دانش‌آموزان جدید و نوپا بودن نظام آموزشی

توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد: اول، افزایش ثروت و رفاه مردم (ریشه‌کنی فقر) و دوم، ایجاد اشتغال که هر دوی این اهداف در راستای عدالت اجتماعی هستند [همان، ص ۱۲ و ۱۳].

ارتباط آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش با توسعه اقتصادی

ارتباط آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش با توسعه را می‌توان از جنبه‌های زیر بررسی کرد:

- تشکیل سرمایه انسانی
- شتاب‌دهی به تولید
- اشتغال و مقابله با بی‌کاری
- کارآفرینی
- کار و حرفه
- اقتصاد دانش‌محور [همان، ص ۱۴].

**کارآفرینی فرایند
است نه هدف و تنها
در کسب و کار مطرح
نیست، بلکه شیوه
زندگی است که در
تمامی ابعاد زندگی
فردی-اجتماعی و...
تجلی می یابد**

کاردانش، انتخاب اجباری نه از روی علاقه توسط
برخی دانش آموزان و یا کاهش علاقه در رشته
انتخابی در حین تحصیل، از جمله عواملی هستند
که ممکن است موجب عدم موفقیت و پیشرفت
تحصیلی دانش آموزان در درس های مهارتی آنان
شوند [تکمیل همایون، ۱۳۷۹: ۱۰].

کارآفرینی و هنرستان ها

یکی از هدف های تأسیس هنرستان، پرورش
فارغ التحصیلان کارآفرین است. کارآفرینی فرایند
است نه هدف و تنها در کسب و کار مطرح نیست،
بلکه شیوه زندگی است که در تمامی ابعاد زندگی
فردی-اجتماعی و... تجلی می یابد. در نظام آموزشی
غیر کارآفرین مجالی برای بروز و شکوفایی استعداد
و خلاقیت کودکان وجود نخواهد داشت و برای
شکوفاسازی استعداد و خلاقیت بیش از همه به
ساختارها و روش های مدیریتی نیاز است که توانایی
شناخت و هدایت استعدادهای بالفعل و بالقوه
دانش آموزان را داشته باشد. بی شک آموزش و پرورش
به تنهایی نمی تواند عهده دار این امور باشد، بلکه این
کار همکاری همه نهادها را می طلبد. چراکه جلوه
بارز نظام آموزش کارآفرین، مشارکت در کارها و
فعالیت های گروهی است [یعقوبی، ۱۳۹۰: ۸].

کارآفرین توانایی آن را دارد که فرصت های
کسب و کار را ببیند، آنها را ارزیابی و منابع لازم
را جمع آوری کند، از آنها بهره ببرد و عملیات

مناسبی را برای رسیدن به موفقیت پی ریزی کند. او
می تواند با استفاده از عوامل تولید متعلق به دیگران و
مدیریت خویش به فعالیت های مولد اقتصادی دست
بزند [آقامحمدی و اسدی، ۱۳۹۲: ۵۵].

دوره گذار اقتصادی و علل پدید آمدن مشکلات چالش برانگیز در دوره گذار

«دوره گذار» به دوره زمانی خروج از مدرسه و
نخستین ورود به یک شغل ثابت یا رضایت بخش
اطلاق می شود. این دوره زمانی به منزله یک دوره
بحرانی و در حال تغییر زندگی اقتصادی و اجتماعی
است که گروه سنی ۲۴-۱۵ سال را در بر می گیرد. در
این دوره جوانان مهارت های خود را توسعه می دهند
تا به کمک آن بتوانند به اعضای مولد جامعه تبدیل
شوند [شریعت زاده، ۱۳۹۳: ۱۶].

بر مبنای مفاهیم اقتصادی، گذار دانش آموزان متأثر
از تعامل بین نظام آموزشی و نظام کار و اشتغال
در کشور است. به عبارت دیگر، بین عرضه و تقاضا
تعامل صورت می گیرد. این عوامل به دو دسته کلی
تقسیم می شوند [شریعت زاده، ۱۳۹۳: ۱۷ و ۱۸]:

۱. نقش منفعلانه نظام آموزشی

هر قدر برون دادها با ویژگی ها و مختصات مورد نیاز
نظام تقاضا، از نظر کمیت و کیفیت تناسب بیشتری
داشته باشد، فرایند گذار از مدرسه به دنیای کار روند

**تغییرات در متغیرهای
کلان اقتصادی از یک
طرف و تغییرات سریع
در عرصه فناوری از
طرف دیگر سبب
می شود که نظام کار
و اشتغال (تقاضا)
ناپایدار شود و کمیت و
کیفیت تقاضای نیروی
انسانی دائماً در نوسان
و تغییر باشد**

هنرستان وجود ندارد، اکثر صندلی های هنرستان ها را دانش آموزانی پر کرده اند که از روی ناچاری و اجبار به دلیل سطح نمرات بسیار پایین در سال های گذشته و بنیة علمی ضعیف و همچنین بدون علاقه و استعداد انجام کارهای مهارتی وارد هنرستان شده اند. از این رو به تدریج در طول سال ها، این باور و نگرش در بیشتر دانش آموزان و والدین آنان به وجود آمده که هنرستان جای دانش آموزان ضعیف است. همین باور به صورت فرهنگ سازمانی در میان مسئولان امر و مدیران مدارس و معلمان ریشه دوانده است، به طوری که به جای اینکه دانش آموز قوی اما علاقه مند و مستعد به رشته های مهارتی را هنرستان ها سوق دهند با والدین آنان هم سو می شوند و به اجبار آنان را به مدارس متوسطه نظری که مشخص نیست چه آینده شغلی در انتظارش باشد، هدایت می کنند.

علاوه بر این، حضور تعداد زیاد دانش آموزان بی علاقه و بی انگیزه با بنیة علمی ضعیف، کار معلمان شاغل در هنرستان را دوچندان می کند. آن ها باید در کنار تدریس با بیان مزایای رشته های هنرستان نسبت به دبیرستان، بازه امید و انگیزه را در هنرجویان به وجود آورند و آنان را به درس و آینده شغلی شان علاقه مند سازند تا شاهد پیشرفت تحصیلی آنان باشند.

مسئله فرهنگی دیگر این است که هنوز هدف اصلی هنرستان که همانا حرفه و مهارت آموزی و کارآفرینی با حداقل مدرک دیپلم و نه لزوماً ورود به دانشگاه و تحصیلات عالیه است - برای برخی کارشناسان و مسئولان جا نیفتاده است. هر سال در ابتدای سال تحصیلی، آمار تعداد قبولی های کنکور را از مدیران هنرستان درخواست و با مدارس متوسطه نظری مقایسه می کنند. هر سال هم از مدیر هنرستان انتظار افزایش تعداد قبول شدگان کنکور را دارند.

همه این مسائل فرهنگی به تأمل و تجزیه و تحلیل نیاز دارند.

چالش های اقتصادی هنرستان های فنی و حرفه ای و کار دانش

قوانین داخلی اعم از قانون برنامه سوم و قانون برنامه چهارم در سطح خرد و کلان به آموزش فنی و حرفه ای توجه کرده اند. سند چشم انداز نیز با توجه به امر «توسعه» و جامعه ای برخوردار از «دانش پیشرفته با توجه به سهم برتر منابع انسانی»، «رشد

مناسب تری خواهد داشت. وضعیت گذشته و حال نظام آموزش و پرورش در ایران نشان می دهد که این نهاد عموماً در برابر فشارهای اجتماعی - سیاسی و تقاضا برای آموزش، منفعلانه عمل می کند. لذا فرایند آموزش و تربیت به گونه ای رقم می خورد که دانش آموختگان و بروندادهای نظام آموزش و پرورش حتی با فرض آنکه درک و فهم درستی از موضوعات و مفاهیم مورد آموزش داشته باشند، قادر نیستند از آموخته های خود در محیط اشتغال و بازار کار بهره بگیرند. کارفرمایان همواره از عملکرد و توانمندی آن ها گله و شکایت دارند، زیرا نقش منفعلانه آموزش و پرورش سبب شده است که برنامه ریزی درسی و آموزشی بر مبنای امکانات موجود و در اختیار آموزش و پرورش طراحی شود و به اجرا درآید.

۲. تغییرات محیط اقتصادی - اجتماعی

تغییرات در متغیرهای کلان اقتصادی (مانند نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم یا تولید ناخالص داخلی) از یک طرف و تغییرات سریع در عرصه فناوری از طرف دیگر سبب می شود که نظام کار و اشتغال (تقاضا) ناپایدار شود و کمیت و کیفیت تقاضای نیروی انسانی دائماً در نوسان و تغییر باشد.

چالش های فرهنگی و اقتصادی هنرستان ها

قبل از پرداختن به چالش های موجود و تعیین میزان فاصله وضعیت کنونی هنرستان ها از هدف های کلی خود و به منظور ایجاد دیدگاه وسیع تر در این زمینه، در ادامه به تجزیه و تحلیل هدف های کلی هنرستان ها می پردازیم.

ابعاد هدف های کلی هنرستان ها:

- تناسب هدف ها با نیازها و علاقه های فراگیرندگان؛
- تناسب هدف ها با نیازها و شرایط و امکانات جامعه؛
- تناسب و هماهنگی هدف ها با یکدیگر [همان، ص ۷].

چالش های فرهنگی هنرستان های فنی و حرفه ای و کار دانش

بر مبنای مطالعات و تجربیات نگارنده که چندین سال است در هنرستان های کار دانش و فنی و حرفه ای به تدریس مشغول و مشکلات هنرستان، دغدغه فکری وی است - از آنجا که شرط معدل برای ورود به

یکی از تنگنایهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آن است که این نوع آموزش از یک‌سو همگون و متوازن با آموزش‌های نظری نیست و از سوی دیگر این توازن و هماهنگی حتی درون آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بین بخش‌های متفاوت، از جمله صنعت، خدمات و کشاورزی به چشم نمی‌خورد

پرشتاب و مستمر اقتصادی»، «ارتقای سطح نسبی درآمد» و رسیدن به «اشتغال کامل»، در حقیقت به توسعه و گسترش این آموزش‌ها توجه کرده است [محمدعلی، ۱۳۹۰: ۱۱]. اما موانع، چالش‌ها و مشکلاتی مانع تحقق کامل هدف‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شده‌اند.

مرتبط کردن آموزش و تربیت نیرو با نیاز کار و اشتغال، یکی از وظایف اساسی هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش است. این آموزش فنی و حرفه‌ای است که تفاوت‌ها را بین دانش‌آموزان به وجود می‌آورد و استعدادها را شکوفا و قابلیت‌های شخصی را کامل می‌کند. بنابراین آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش وسیله‌ای برای فرد در طول زندگی، برای نیل به پیشرفت، راهی برای حل مشکلات شغلی و یکی از ابعاد هویت فردی در زندگی اجتماعی است. آموزش‌های تئوری در کشور ما قوی و پرشمارند، به نحوی که در دانش نظری پیشرفت فوق‌العاده‌ای داشته‌ایم. اما به موازات آن نتوانسته‌ایم نیروی انسانی را برای کسب مهارت‌های لازم که بتوانند این دانش را به کار و ثروت تبدیل کنند، آموزش دهیم [http://moshaveretahsil-
inm.blogfa.com/post/13].

برای مثال، دبیران رشته خیاطی هنرستان‌ها می‌توانند در ایام تابستان با کمک دانش‌آموزان رشته مزبور برای سایر مدرسه‌ها لباس مدرسه تولید کنند و از این طریق هم برای دانش‌آموزان خود اشتغال به وجود آورند و هم مدرسه‌ها از سود حاصل از آن بهره‌مند شوند. مشابه آن می‌توان به کمک هنرآموزان رشته‌های دیگر به تولید و پرورش گل و گیاه، تعمیر لوازم برقی، لوله‌کشی آب منازل و... پرداخت و کارآفرینی کرد [جلیلی نوش‌آبادی، ۱۳۹۱: ۳۵]. اما با وجود ظرفیت قوی هنرستان‌ها در کارآفرینی، حتی قبل از اخذ دیپلم، از این ظرفیت به نحو مطلوب بهره‌برداری نمی‌شود. از منظر بیشتر تجار و پیشگامان و کارآفرینان، علت جمود و لختی مؤسسات آموزشی نبود رقابت میان آن‌هاست. در نظر اهالی کسب و کار که مرگ و زندگی کاری خود را در گرو ابداع و برون‌رفت از مشکلات می‌دانند، در آموزش حس اضطرار و فوریت غایب است [سنگه، ۱۳۹۰: ۳۳].

یکی از تنگنایهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آن است که این نوع آموزش از یک‌سو همگون و متوازن با آموزش‌های نظری نیست و از سوی دیگر این توازن

و هماهنگی حتی درون آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بین بخش‌های متفاوت، از جمله صنعت، خدمات و کشاورزی به چشم نمی‌خورد. آموزش مطلوب فنی و حرفه‌ای در هر جامعه عبارت از توازن بین این بخش‌ها با یکدیگر و توجه کردن به نیازها و مقتضیات جامعه است [شریف‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۹].

در اثر توزیع نامناسب رشته‌های کاردانش در مناطق گوناگون کشور و نیز توزیع نامناسب دانش‌آموزان در رشته‌های متفاوت، بازار کار از برخی از رشته‌ها اشباع شده و در برخی از رشته‌ها نیاز بازار کار برطرف نشده است. برخلاف انتظار، استانداردهای آموزشی «به روز» و از تناسب و کفایت کافی برخوردار نیستند و در نتیجه نیازهای بازار کار را پوشش نمی‌دهند [نویدی و محمدی، ۱۳۹۰: ۴۳].

براساس مطالعات انجام گرفته، جمعیت جوانان و فعال کشور ما (۶۴-۱۵ سال) تا سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۶۱ میلیون نفر یعنی ۶۳ درصد جمعیت کل کشور خواهد شد. این بدان معنی است که جمعیت فعال هر سال ۲/۵ درصد رشد خواهد داشت. پس سطح اشتغال نیز باید رشدی معادل ۲/۵ درصد در سال داشته باشد تا وضعیت فعلی حفظ شود. یعنی تا سال ۱۴۰۰ در ایران باید ۲۹ میلیون فرصت شغلی ایجاد شود. مطابق هدف‌های سند چشم‌انداز ۲۰ ساله باید ۵ درصد از رشد درصدی اقتصاد کشور، حاصل از ارتقای بهره‌وری باشد. اما متأسفانه با وضعیتی که در حال حاضر مشاهده می‌شود، به دلیل نبودن رابطه مؤثر بین آموزش‌ها و نیاز بازار کار، رسیدن به این مهم بعید به نظر می‌رسد [حسین‌پور، ۱۳۹۳: ۴۸]. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای که باید موجب بالا رفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم شود، به نتیجه مطلوب منجر نشده است [محمدعلی، ۱۳۹۰: ۱۳].

مهم‌ترین مشکلات برای کسب سه ویژگی کارایی، انعطاف‌پذیری و پاسخگویی به نیازهای بازار کار را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

الف) ساختار اجرایی و آموزشی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای؛

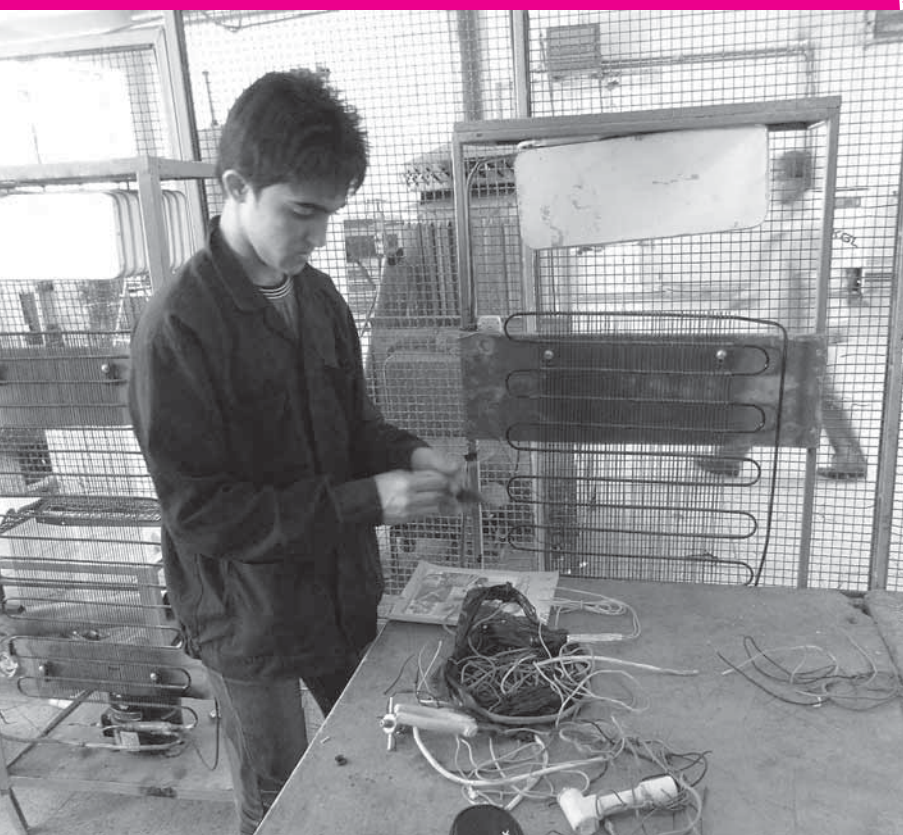
ب) ارتباط ضعیف بین آموزش فنی و حرفه‌ای و مراکز تولیدی و خدماتی؛

ج) نبود پشتوانه علمی برای ارتقای کیفی این آموزش‌ها [حسین‌پور، ۱۳۹۳: ۴۸].

نبود ارتباط مؤثر بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و

**نبود ارتباط مؤثر
بین آموزش‌های
فنی و حرفه‌ای و
کاردانش با نیاز بازار
می‌تواند یکی از این
دلایل را داشته باشد:
فقدان نیازسنجی
دقیق بازار کار؛ وجود
نظام مستقل برای
آموزش فنی و حرفه‌ای
و کاردانش؛ بی‌توجهی
به نیازهای محلی و
منطقه‌ای؛ نبود ارتباط
مؤثر میان آموزش
فنی و حرفه‌ای و
صنعت**

حرفه‌ای در آموزش‌های عمومی؛
• عدم دسترسی کامل دانش‌آموزان، به ویژه دختران روستایی، به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛
• اجرا نشدن کامل سیاست‌های مصوب مربوط به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛
• فقدان استانداردهای شغلی و حرفه‌ای؛
• نبود سطح هماهنگی مهارتی بین ارائه‌دهندگان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛
• نبود نظام تضمین و کنترل کیفیت در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.
شاخه کاردانش از نظر تناسب با نیازها، شرایط و امکانات موجود در کشور از چند منظر با چالش اساسی مواجه است:
• شفاف نبودن نیازهای کیفی نیروی انسانی در بازار کار کشور؛
• متناسب نبودن هدف‌گذاری با شرایط اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه؛
• نامتناسب بودن هدف‌گذاری با امکانات جامعه؛
• نامتناسب بودن هدف‌گذاری با ساختار اشتغال در بازار کار ایران [شریعت‌زاده، ۱۳۹۲: ۷ و ۸].



کاردانش با نیاز بازار می‌تواند یکی از این دلایل را داشته باشد:

فقدان نیازسنجی دقیق بازار کار؛ وجود نظام مستقل برای آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش؛ بی‌توجهی به نیازهای محلی و منطقه‌ای؛ نبود ارتباط مؤثر میان آموزش فنی و حرفه‌ای و صنعت [پیشین].

عوامل بازدارنده تحقق هدف‌های تأسیس هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش:

- توزیع نامناسب رشته‌های کاردانش در کشور؛
- نابسامانی وضعیت اقتصادی و بازار کار؛
- ناهماهنگی میان نیازهای جامعه و برنامه‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای؛
- نبود یک نهاد سیاست‌گذار در سطح ملی و مشخص نبودن چشم‌انداز و مأموریت اصلی تشکیل بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛
- مناسب نبودن ساختار بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی برای آموزش فنی و حرفه‌ای؛
- مشکل سرمایه‌گذاری در بخش آموزش فنی و حرفه‌ای؛

- پایین بودن منزلت اجتماعی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و گرایش عمومی جوانان برای ورود به دانشگاه؛

- کمبود فرهنگ پژوهش و ارزشیابی؛
- ابهام درباره «مراحل» و «مکان‌ها»ی مناسب برای آموزش فنی و حرفه‌ای؛
- رعایت نکردن اصل واقع‌بینی در تدوین برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای؛
- مستقل بودن کار و تلاش از رفاه شخصی و منزلت اجتماعی [نوییدی و محمدی، ۱۳۹۰: ۴۴].

محمدعلی (۱۳۹۰) در مقاله خود اهم مشکلات و چالش‌های درون‌نهادی و برون‌نهادی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایران را این‌گونه فهرست کرده است:

- ناشناخته بودن نیازهای کیفی بازار کار؛
- کمبود اطلاعات جدید درباره نیروی کار؛
- کمبود مشاوران حاذق و مطلع در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش؛
- کم‌توجهی به تشکیل سرمایه‌های انسانی؛
- مشارکت غیرفعال بخش خصوصی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛
- نارسایی قوانین و مقررات؛
- فراهم نبودن بستر لازم برای افزایش آگاهی‌های

قطعاً اصلاحات آموزشی در هر کشور تابع شرایط و تحولات ویژه آن کشور است

علی‌رغم توجه مسئولان و قانون‌گذاران کشور به ارزش و اهمیت آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش، به دلایل بسیار، از جمله نبود نگرش جامع به این آموزش‌ها، به روز نبودن این آموزش‌ها، نبودن تعامل و تناسب میان بازار کار و آموزش، نداشتن متولی و مرکز سیاست‌گذاری واحد، اجرایی نشدن قوانین مصوب، بی‌توجهی به نیروی انسانی آموزش‌دهنده، فقدان تجهیزات مناسب، اصلاح نشدن هرم شغلی و... از موفقیت‌چندانی برخوردار نبوده و نیازمند اصلاحات جدی است. قطعاً اصلاحات آموزشی در هر کشور تابع شرایط و تحولات ویژه آن کشور است، اما از آنجا که کشورها به نوعی تحت تأثیر تحولات جهانی و بین‌المللی قرار دارند، می‌توان نکات مشترکی را در این اصلاحات یافت؛ به ویژه اگر به جای توجه به شکل ظاهری به راهبردهای حساس آن در موضوعات مشترک توجه شود [محمدعلی، ۱۳۹۰: ۱۱]. بنابراین باید با توجه به علل و عوامل ایجاد موانع و چالش‌های فرهنگی و اقتصادی، با عزمی ملی و اصلاح برنامه‌ریزی‌ها و دستورالعمل‌ها در سطوح بالا و اجرایی شدن آن در سطوح پایین‌تر، به رفع مشکل و یا حداقل به بهبود وضع موجود کمک کرد تا فاصله وضع موجود از وضع مطلوب و از هدف‌هایی که مورد انتظار هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش بود، به حداقل ممکن برسد. یکی از راهکاری‌های اساسی اصلاح وضعیت موجود آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در ایران، با توجه به تجربیات جهانی، تشکیل نهاد سیاست‌گذار واحد، تأسیس نهادهای رابط میان صنعت و آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، پژوهش‌محور کردن نظام آموزش فنی‌وحرفه‌ای، تفویض اختیارات تصمیم‌گیری به مسئولان محلی برای توجه به نیازهای محلی و منطقه‌ای (آمایش سرزمین و تطبیق برنامه‌های آموزشی و اجرایی با نیازها) و برقراری نظام آموزش مبتنی بر شایستگی در آموزش فنی‌وحرفه‌ای است [همان، ص ۱۴ و ۱۵].

پیشنهادهای

الف) برای کاهش موانع و رفع چالش‌های فرهنگی
• قبل از هر چیز، مدیران سازمان‌ها ادارات آموزش و پرورش استان‌ها و شهرستان‌ها و مدیران دبیران و مشاوران دبیرستان‌ها، با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، جلسات توجیهی، کلاس‌های

ضمن خدمت و... از هدف‌ها، اهمیت و ضرورت تشکیل هنرستان‌های کاردانش کاملاً آگاهی یابند تا هیچ‌گونه رفتار، برخورد و عملکرد تبعیض‌آمیزی نسبت به شاخه کاردانش در مقابل شاخه‌های متوسطه نظری و فنی‌وحرفه‌ای نداشته باشند و دانش‌آموزان علاقه‌مند به تحصیل در هنرستان‌های کاردانش را به اجبار به مدارس دیگر هدایت نکنند. هدف اصلی در هنرستان‌ها تربیت نیروی ماهر و کارآفرین با حداقل مدرک دیپلم است، نه افزایش آمار فارغ‌التحصیلان دانشگاهی!

• رسانه‌های جمعی و عوامل اجرایی آموزش و پرورش، به خانواده‌هایی که دانش‌آموزان سال اول دبیرستان دارند، به طور دقیق، در زمینه رشته‌های متفاوت تحصیلی آموزش بدهند که در تعیین رشته تحصیلی فرزندشان، علاقه و استعداد تحصیلی وی را در درجه اول اهمیت قرار دهند.

• در هفته مشاغل، کارشناسان درباره وضعیت رشته‌های کاردانش، واحدهای درسی درس‌های مهارتی و شرایط ادامه تحصیل به دانش‌آموزان سال آخر متوسطه دوره اول، اطلاعات کافی بدهند.

• به دانش‌آموزانی که قصد دارند وارد هنرستان کاردانش شوند توصیه شود، مشورت با مشاوران مدرسه، کارشناسان، هنرآموزان و هنرجویان شاخه کاردانش مشورت کنند و حتماً علاقه و استعداد خود را در رشته مهارتی، بشناسند و براساس علاقه به رشته تحصیلی، به انتخاب رشته در هنرستان کاردانش دست بزنند تا در آینده شاهد سرخوردگی و افت تحصیلی احتمالی خود نباشند.

• مدیران هنرستان‌های کاردانش و مسئولان ذی‌ربط در رده‌های بالاتر، به منظور تداوم و افزایش علاقه دانش‌آموزان علاقه‌مند و یا ایجاد علاقه و انگیزه در دانش‌آموزان بی‌علاقه و بی‌انگیزه که به دلیل پایین بودن سطح نمرات درسی، به اجبار وارد هنرستان شده‌اند، تمهیداتی در نظر بگیرند. از جمله این زمینه‌سازی‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: برگزاری کلاس‌های آموزش خانواده با حضور کارشناسان؛ ایجاد رابطه عاطفی با دانش‌آموزان؛ شرکت دادن دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدرسه؛ استفاده از دبیران و هنرآموزان ماهر و علاقه‌مند به تدریس و به روز رسانی دانش آن‌ها با مجلات و کلاس‌های ضمن خدمت؛ زیباسازی فضای آموزشی؛ تأمین تجهیزات و امکانات لازم در کارگاه‌های هنرستان با تخصیص بودجه و اعتبار کافی؛ ارزیابی

پیشنهاد می‌شود

توسعه رشته‌های

فنی و حرفه‌ای و

مهارتی بر مبنای

نیازهای منطقه‌ای

و آمایش سرزمین

صورت گیرد و از

هرگونه توسعه کمی

این رشته‌ها بدون در

نظر گرفتن نیازهای

بازار کار در منطقه

اجتناب شود

و شرایط بازار کار و نیاز کارفرمایان را به نیروی انسانی به درستی درک، استنباط و لمس کنند.

• توسعه رشته‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی بر مبنای نیازهای منطقه‌ای و آمایش سرزمین صورت گیرد و از هرگونه توسعه کمی این رشته‌ها بدون در نظر گرفتن نیازهای بازار کار در منطقه اجتناب شود [شریعت‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۹].

* منابع

۱. آقامحمدی، جواد و اسدی، عزیز (۱۳۹۲). «بررسی ویژگی‌های کارآفرینی هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش». فصل‌نامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش. دوره نهم، زمستان.
۲. ابراهیم‌نژاد، محمد (۱۳۹۰). «آموزش و پرورش و اقتصاد». ماه‌نامه رشد معلم. دوره ۳۰، مهرماه.
۳. امام جمعه، طیبه (۱۳۸۴). «تغییرات اقتصادی جهانی در عصر اطلاعات و تأثیر آن در فرایند یادگیری». ماه‌نامه رشد تکنولوژی آموزشی. دوره ۲۱، آذر.
۴. بهمن‌پور، زهرا (۱۳۸۵). «آموزش کارآفرینی و مهارت‌های کسب و کار در مدارس». فصل‌نامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای. دوره دوم، پاییز. صص ۳۸ و ۳۹.
۵. ناد استورم، بروس (۱۳۸۹). «نقش فلسفه در آموزش برای کار». ترجمه بهناز مرجانی. فصل‌نامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای. دوره پنجم، بهار.
۶. تکمیل همایون، غلامحسین (۱۳۷۹). «تغییر نظام آموزش متوسطه، چرا و با چه هدفی انجام گرفت». فصل‌نامه کاردانش. شماره ۳۱ و ۳۲.
۷. جعفرزالی، علی (۱۳۸۵). «کارآفرینی و پیامدهای آن». فصل‌نامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای. دوره دوم، زمستان.
۸. جلیلی نوش‌آبادی، سیدجلیل (۱۳۹۱). «اقتصاد آموزش و پرورش». ماه‌نامه رشد معلم. دوره ۳۱، آبان.
۹. حسین‌پور، مریم (۱۳۹۳). «تنوع در تدریس آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش». فصل‌نامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش. دوره نهم، تابستان.
۱۰. حسین‌زاده یوسفی، غلامحسین (۱۳۹۱). «آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با رویکرد تخصص‌گرایی نرم». فصل‌نامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای. دوره هفتم، بهار.
۱۱. سرکارآرانی، محمدرضا (۱۳۸۹). «نگاه به اقتصاد آموزش متوسطه». ماه‌نامه رشد معلم. دوره ۲۸، اردیبهشت.
۱۲. سنگه، پیتیر (۱۳۹۰). «آموزش در جامعه صنعتی». ترجمه علیرضا آقایی و محرم تقی‌زاده. رشد معلم. دوره ۳۰، آذرماه.
۱۳. شریعت‌زاده، مهدی (۱۳۹۲). «چالش‌های برنامه کاردانش در ارتباط با نیازهای بازار کار». فصل‌نامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای. دوره هشتم، بهار.
۱۴. شریعت‌زاده، مهدی (۱۳۹۲). «فرایند گذار دانش‌آموزان از مدرسه به بازار کار ایران». فصل‌نامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش. دوره نهم، بهار.
۱۵. شریف‌زاده، محمد (۱۳۹۰). «آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و اشتغال». فصل‌نامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای. دوره ششم، تابستان.
۱۶. شریف‌زاده، محمد (۱۳۹۲). «توسعه اقتصادی با چرخ آموزش». فصل‌نامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش. دوره نهم، پاییز.
۱۷. عباس‌پور، اسکندر (۱۳۸۶). «برنامه سنواتی سال ۱۳۸۶-۱۳۸۷». معاونت آموزش و پرورش نظری و مهارتی استان مازندران، ساری.
۱۸. محمدعلی، محبوبه (۱۳۹۰). «آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و راه‌های اصلاح آن». فصل‌نامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای. دوره هفتم، پاییز.
۱۹. مرجانی، بهناز (۱۳۸۵). «تبیین مبانی رفتارگرایی در برنامه درسی مبتنی بر شغل». فصل‌نامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای. دوره دوم، پاییز.
۲۰. نودی، احد و محمدی، سهره (۱۳۹۰). «برنامه آموزش‌های مهارتی در شاخه کاردانش». فصل‌نامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای. دوره ششم، تابستان.
۲۱. یعقوبی نجف‌آبادی، اشرف (۱۳۹۰). برنامه درسی ملی و ضرورت نگرش به کارآفرینی. فصل‌نامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای. دوره هفتم، زمستان.

وضعیت پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در پایان هر نیم‌سال تحصیلی و بررسی دلایل افت تحصیلی احتمالی با حضور مسئولان، مشاوران، دبیران، روان‌شناسان و صاحب‌نظران؛ مشاوره با دانش‌آموزان کم‌علاقه و یا بی‌علاقه به رشته تحصیلی خود؛ استفاده از آخرین یافته‌ها و نوآوری‌های علم مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی و کاربست روش‌های فعال تدریس و یادگیری درس‌های مهارتی.

• معلمان برای مشارکت در طرح تحول آموزش و پرورش، تدریس سنتی را کنار بگذارند و برای افزایش علاقه به تحصیل، ایجاد انگیزه تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان، از روش‌های متنوع و نوین تدریس استفاده کنند و با رفتار و گفتار خود الگو و سرمشق مناسبی برای دانش‌آموزان باشند. فضای کلاس را جذاب کنند و از هر فرصتی برای آموزش درس اخلاق و مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان استفاده کنند، همواره از نظرات و راهنمایی‌های کارشناسان اهل فن و انتقادات و پیشنهادات سازنده همکاران بهره بگیرند و ارتباط با اولیای دانش‌آموزان را فراموش نکنند.

ب) برای کاهش چالش‌های اقتصادی

نظام آموزش و پرورش نباید انتظار داشته باشد که محیط اقتصادی-اجتماعی خود را با شرایط آموزش و پرورش هماهنگ کند. بلکه برعکس، آموزش و پرورش همواره باید تدابیری در جهت ارتباط و نزدیکی با بازار کار و نیازهای آن در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های خود طراحی کند و به اجرا بگذارد. در این راستا موارد زیر پیشنهاد می‌شوند:

• تغییر نحوه اجرای برنامه هدایت تحصیلی، آنچنان‌که تا حد امکان توزیع دانش‌آموزان در رشته‌های متفاوت نظام آموزش متوسطه، به ویژه در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، بر مبنای علاقه و استعداد دانش‌آموزان باشد. این روند زمانبر است، اما تحقق آن امکان‌پذیر است.

• توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و ترجیحاً کاردانش کارگاه‌محور باشد. زیرا در حال حاضر به دلایل مختلف، جو حاکم بر این آموزش‌ها به گونه‌ای است که به تقویت بنیه تئوری و نظری دانش‌آموزان می‌انجامد، نه کسب مهارت‌های حرفه‌ای. در این راستا تا حد امکان تلاش شود که برنامه کارآموزی و کارورزی دانش‌آموزان در اوقات مناسب و در محیط واقعی کار صورت پذیرد تا دانش‌آموزان علائم، نشانه‌ها